

# ۱۰۱ میزی که در مدرسه معماری آموختم

نوشته ماتئو فردریک

ترجمه سیده صدیقه قویدل



کتاب وارش



|                     |                                                                                  |
|---------------------|----------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : فردریک مائتو،<br>Frederick, Matthew                                            |
| عنوان و نام پدیدآور | : ۱۰۱ چیزی که در مدرسه معماری آموختم / نوشته مائتو فردریک: مترجم صدیقه قویدل.    |
| مشخصات نشر          | : تهران: کتاب وارش، ۱۳۹۲.                                                        |
| مشخصات ظاهری        | : ۲۲۴ ص، محور ۱۷×۱۱ س.م.                                                         |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۳۱-۰۰-۴                                                             |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا                                                                           |
| یادداشت             | : عنوان اصلی: 101 Things I Learned in architecture school                        |
| یادداشت             | : کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است. |
| عنوان گسترده        | : ۱۰۱ چیزی که در مدرسه معماری آموختم                                             |
| موضوع               | : معماری -- راهنمای آموزشی                                                       |
| موضوع               | : معماری -- طراحی -- راهنمای آموزشی                                              |
| شناسه افزوده        | : قویدل، سیده صدیقه، ۱۳۵۹-، مترجم                                                |
| رده‌بندی کنگره      | : ۱۳۹۰ ص ۴/ف/ NA۲۰۰۰                                                             |
| رده‌بندی دیویی      | : ۷۳۰                                                                            |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۲۵۰۸۸۱۰                                                                        |



ماتنوفر دریک،

معمار و طراح فضاهای

شهری است.

در کالج‌ها و دانشگاه‌های

زیادی تدریس کرده که

از جمله آنها می‌توان کالج

معماری یوسون، مؤسسه

تکنولوژی ونکوور،

دانشگاه یوتا، مؤسسه

تکنولوژی ایلی‌نویز و کالج

هنر و طراحی پنسیلوانیا را

نام برد.

## یادداشت نویسنده

اطمینان و قطعیت برای دانشجویان معماری در حد بسیار کمی وجود دارد. فهرست دروس معماری، ساعت‌های طولانی حضور در کلاس، متن‌های سنگین درسی و آموزش‌های پراکنده‌ای که نمی‌دانید به چه دردتان می‌خورد، شما را بهت‌زده می‌کند. دروس معماری در عین جذابیت، سرشار از استثناها و هشدارها هستند؛ طوری که دانشجویان معماری به راحتی دچار این تصور می‌شوند که هیچ چیز عینی و ملموسی در معماری وجود ندارد.

پراکنده و نامشخص بودن درس‌ها در آموزش معماری تا حد زیادی ضروری است. معماری، رشته‌ای خلاقانه است و به همین دلیل مدرسان طراحی حاضر نیستند برنامه‌های درسی آن را به‌طور کاملاً مشخص و قطعی انتخاب کنند؛ زیرا این نگرانی همیشه برای آنها وجود خواهد داشت که ممکن است با انجام این کار، محدودیت‌هایی غیرضروری را به فرآیندی خلاقانه تحمیل کنند. این برنامه نامشخص باعث می‌شود تا دانشجویان تصور کنند که درون یک وسیله نقلیه نشسته‌اند و از میان خیابان‌هایی تازه و جذاب عبور می‌کنند؛ اما همزمان با درک این جذابیت‌ها، احساس می‌کنند که معماری نه بر روی یک زمین سفت و محکم، بلکه بر روی یک باتلاق شنی بنا شده است.

این کتاب قصد دارد با معرفی عواملی که اساس کار آتلیه معماری را با فرآیندهای طراحی مرتبط می‌کنند، باعث رشد این فرآیندها شود. درس‌های بعدی دوران تحصیلات دانشگاهی درباره طراحی، ترسیم، فرآیندهای خلاقانه و پرزانت، برایم همچون شعله کم‌نوری بودند که به‌سختی می‌شد آنها را دید و به اهمیت‌شان پی برد.

چند سال بعد که وارد بازار کار شدم و بعدها که در این رشته به استادی رسیدم، اهمیت واقعی این درس‌ها به‌طور کامل برایم روشن شد؛ اما سؤال‌های بی‌جوابی که این عناوین درسی در ابتدا در ذهنم ایجاد کرده بودند، همچنان به‌عنوان سؤالات اساسی دوره آموزش معماری باقی مانده‌اند. دانشجویان من، بارها و بارها به من نشان داده‌اند که این سؤالات و سردرگمی‌ها درباره درس‌های ارائه شده در مدارس معماری، یک چیز عادی است و همه دانشجویان درگیر آن می‌شوند.

من از شما می‌خواهم هر وقت که در آتلیه کار می‌کنید، این کتاب را باز کنید و روی میز کارتان قرار دهید. آن‌را در جیب کتان بگذارید تا هنگامی که از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنید، بتوانید قسمت‌هایی از آن‌را مطالعه کنید. به‌طور تصادفی صفحاتی از کتاب را بخوانید، اما زمانی که برای حل مسئله طراحی معماری به آن نیاز دارید، فقط به سراغ بخش‌های مورد نظرتان بروید. برای هر نوع استفاده‌ای که از درس‌های این کتاب می‌کنید، از من تشکر خواهید کرد؛ زیرا شما را با استثناهای بی‌شمار معماری درگیر نکرده‌ام.

## چگونه یک خط رسم کنیم

۱- معماران برای مقاصد و اهداف مختلف از خطوط متفاوتی استفاده می‌کنند؛ اما مهمترین ویژگی خط‌های استفاده شده در معماری این است که باید قسمت ابتدایی و انتهایی آنها را با تأکید ترسیم کنیم. این روش، خط را در صفحه مهار می‌کند و باعث می‌شود تا در نهایت، ترسیمی قدرتمند و تأثیرگذار داشته باشیم. اگر قسمت انتهایی خط‌ها را ضعیف رسم کنیم، طراحی‌تان مبهم، نامفهوم و بدون تأثیر خواهد شد. آنقدر تمرین کنید تا بتوانید خطوطی قوی رسم کنید. در تمرین‌هایتان، در ابتدا و انتهای هر ضربه یا حرکت دست، یک نقطه یا دایره کوچک بگذارید.

۲- وقتی دو خط با هم برخورد می‌کنند، لبه‌های آنها روی هم می‌افتد و همین باعث می‌شود تا کنج‌های ایجاد شده در ناحیه هم‌پوشانی، شکل مناسبی پیدا کرده و مدور نباشند.

۳- خط‌هایی که برای رسم اسکیس استفاده می‌کنید نباید محو و یا بسیار نازک باشند؛ در رسم اسکیس از ترسیم خط‌هایی که ابتدا و انتهایشان به خوبی مشخص نیست و از چند خط کوتاه متداخل تشکیل شده‌اند، خودداری کنید. مدادتان را طوری حرکت دهید که از شروع تا پایان یک خط، حرکتی روان و کنترل شده داشته باشد. استفاده از خطوط راهنمای کمرنگ، قبل از ترسیم خطوط نهایی به بهتر شدن طرح شما کمک می‌کند. زمانی که طراحی کامل شد، خطوط راهنما را پاک نکنید؛ زیرا آنها به طرح شما سرزندگی و طراوت می‌بخشند.